

تداخل واژگانی دو زبانه‌های تالشی - فارسی و فارسی - تالشی

۱- کیومرث خانبابا زاده*، ۲- محرم رضایتی کیشه‌خاله**، ۳- علی تسلیمی***

۱- دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران

۲- استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران

۳- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۰۱)

چکیده

افراد دوزبانه به دلیل ضعف در برقراری ارتباط به زبان دوم، ناخواسته عناصری را از زبان نخست به زبان دوم انتقال می‌دهند تا ارتباط برقرار شود. این مسأله در زبان‌شناسی اجتماعی و علم آموزش زبان تداخل زبانی نامیده می‌شود. برای رسیدن به نتیجه مطلوب آموزشی در جامعه چندزبانه‌ای مانند ایران که از زبان فارسی برای اهداف آموزشی استفاده می‌کند، بررسی نتیجه برخورد زبان‌ها، تداخل زبانی و دوزبانگی بسیاری از مسائل و موضوعات و تدوین منابع آموزشی را برای متصدیان آموزش کشور روشن و آنها را در برآوردن نیازهای آموزشی کشور هدایت می‌کند. در این پژوهش تداخل واژگانی دوزبانه‌های تالشی - فارسی و فارسی - تالشی در میان جامعه تالشی‌زبان‌های روستای عنبران و مهاجران این روستا به غرب تهران، به صورت مقایسه‌ای بین دو گروه دوزبانه بررسی می‌شود. داده‌های پژوهش با پرسش‌نامه و ترجمه تعدادی جمله به وسیله افراد دوزبانه به هر یک از زبان‌ها به دست آمده است. افراد آزمون‌شونده به شکلی تصادفی از میان ساکنین عنبران و مهاجران دوزبانه غرب تهران انتخاب شده‌اند. به نظر می‌رسد تداخل بیشتر از زبان اول به زبان دوم صورت گرفته باشد و جنسیت گویشوران هم تأثیر کمی در تداخل زبانی داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: زبان تالشی، زبان فارسی، برخورد زبانی، دو زبانگی، تداخل زبانی، تداخل واژگانی.

*E-mail: kkaumarth@yahoo.com (نویسنده مسئول)

**E-mail: kishekhala@yahoo.com

***E-mail: taslimy1342@yahoo.com

۱. مقدمه

زبان تالشی از زبان‌های ایرانی شمال غربی است که افزون بر بخش‌هایی از استان گیلان و اردبیل در خارج از مرزهای ایران در جمهوری آذربایجان هم گویشوران زیادی دارد. رضایتی (۱۳۸۶: ۱۸) برای این زبان سه شاخه شمالی، مرکزی و جنوبی قائل است. این زبان بسیاری از ویژگی‌های باستانی زبان‌های ایرانی را در خود حفظ کرده است، لذا بررسی مقابله‌ای این زبان بر بسیاری از مسائل زبانی و آموزشی فارسی در ایران اثر می‌گذارد. از سوی دیگر، به سبب قرابتی که زبان تالشی با زبان فارسی دارد، بررسی مقابله‌ای و برخورد زبانی میان این دو زبان در حل مشکلات آموزشی مناطق دوزبانه بسیار روشنگر است. برای حصول نتایج مطلوب در آموزش و پرورش مناطق دوزبانه باید انواع تداخل زبانی بررسی و تحلیل شود تا از نتایج این‌گونه بررسی‌ها در جهت تهیه منابع آموزشی و بهینه‌سازی آموزش زبان فارسی در مناطق دوزبانه، به‌ویژه مناطق تالشی‌زبان استفاده شود. در این پژوهش، جامعه آماری از میان گویشوران شاخه شمالی گونه عنبران انتخاب شده‌اند. حوزه جغرافیایی پژوهش، روستای تالشی‌زبان عنبران بالا در نوار مرزی جمهوری آذربایجان است. این روستا در حال حاضر حدود هزار و دویست نفر جمعیت دارد. مردم این روستا به زبان تالشی صحبت می‌کنند و به واسطه سوادآموزی، رسانه‌ها و ارتباط با تهران به زبان فارسی هم تسلط نسبی دارند. دیگر حوزه پژوهش شهرک آزاد شهر و شهر قدس در غرب استان تهران است که حدود ده هزار نفر از تالشی‌زبان‌های عنبران به این دو شهر مهاجرت کرده و سکنی گزیده‌اند. این افراد در خانواده و جمع آشنایان به زبان تالشی و در سطح جامعه برای برقراری ارتباط با دیگر جوامع زبانی به زبان فارسی صحبت می‌کنند. این پژوهش به‌صورت میدانی

روی دو زبانه‌های فارسی - تالشی و تالشی - فارسی هشت تا بیست ساله انجام شده - است. داده‌های پژوهش با اخذ ترجمه تعدادی جمله از هر یک از دو زبانه‌ها به دست آمد. شرکت‌کنندگان تعداد بیست نفر دوزبانه فارسی - تالشی از مهاجران عنبران در غرب استان تهران در منطقه شهر قدس و آزاد شهر و تعداد بیست نفر دوزبانه تالشی - فارسی، در محدوده سنی هشت تا بیست سال، از هر دو جنس در روستای عنبران بالا انتخاب شده‌اند. ابتدا تعداد هشتاد جمله که در مرکز گویش‌شناسی فرهنگستان زبان فارسی استفاده می‌شود به دوزبانه‌ها داده شد و از آن‌ها خواسته شد که جمله‌های فارسی را به تالشی و جمله‌های تالشی را به فارسی ترجمه کنند و سپس جمله‌های ترجمه‌شده آوانویسی شدند و بعد از آوانویسی جمله‌هایی که تداخل واژگانی داشتند، انتخاب و تجزیه و تحلیل شدند. در این پژوهش، تداخل واژگانی در جمله‌های دوزبانه‌های تالشی - فارسی و فارسی - تالشی، از دو جنس دختر و پسر به صورت مقایسه‌ای بررسی می‌شود. در ادامه چند پژوهش نسبتاً مرتبط با موضوع پژوهش معرفی می‌شوند.

یوسفی‌نصیرمحل (۱۳۸۴) در «مسائل جامعه‌شناختی گویش تالشی» جامعه قومی تالش را از دریچه زبان بررسی کرده است، در فصلی از تحقیق خود اجمالاً به دلایل دوزبانگی تالش‌ها و همزیستی و یا جایگزینی زبان تالشی با زبان‌های ترکی، گیلکی و فارسی پرداخته است.

رضایتی، فاضلی و یوسفی‌نصیرمحل (۱۳۸۷) در مقاله «نمودهای اجتماعی و مردم‌شناختی در گویش تالشی» به چگونگی دوزبان شدن و انواع تنوع صوتی واژگانی و دستوری و ارتباط زبان با محیط و زبان و کنش‌های متقابل اجتماعی پرداخته‌اند در این پژوهش هم به تداخل زبانی توجهی نشده است.

میرزاپور (۱۳۹۰) در «بررسی پدیده دوزبانگی در جغرافیای قومی تالش» با نظرسنجی از شماری دانش‌آموز دختر و پسر در مقطع دبیرستان کوشیده است برپایه آمار و ارقام، حوزه‌های کاربرد زبان تالشی و نگرش‌های زبانی آن‌ها را در قلمرو تالش شمالی، مرکزی و جنوبی تحقیق کند. رضایتی، میرزاپور و موسوی (۱۳۹۵) در «بررسی نگرش‌های زبانی در گویش تالشی» به برخورد زبان تالشی با زبان‌های مجاور و زبان رسمی و همچنین به بررسی نگرش‌های مثبت و منفی نسبت به زبان تالشی در حوزه‌های جغرافیایی مختلف و با توجه به سن و جنسیت پرداخته‌اند.

منشی‌زاده و خان‌بابازاده (۱۳۹۳) در مقاله «خطاهای نحوی تالشی‌زبان‌ها در کاربرد زبان فارسی» با اخذ انشاء از تعدادی دانش‌آموز تالشی‌زبان در سطح ابتدایی روستای عنبران بالا و پایین، خطاهای نحوی دانش‌آموزان را به سه دسته بین‌زبانی، درون‌زبانی و خطاهای آموزشی تقسیم کرده‌اند.

خان‌بابازاده (۱۳۹۳) تأثیر حالت ارگنیو زبان تالشی شمالی گونه عنبرانی را بر فراگیری زبان فارسی بررسی کرده است. خان‌بابازاده (۱۳۹۵) در «خطاهای نحوی تالشی‌زبان‌ها در فارسی معیار» به نقش زبان مادری در کنار سایر عوامل درون‌زبانی و خطاهای آموزشی در یادگیری زبان فارسی نوشتاری پرداخته است. در پژوهش مذکور تنها بخش کوچکی به تأثیر زبان مادری اختصاص دارد.

در این پژوهش به پرسش‌های زیر پاسخ داده می‌شود:

- ۱- تداخل‌ها بیشتر از کدام زبان به زبان دیگر صورت گرفته‌است؟
- ۲- جنسیت در تداخل واژگانی چه تأثیری دارد؟

۲. تعاریف و مبانی نظری پژوهش

دوزبانگی به حالتی گفته می‌شود که فرد بتواند به دو زبان متفاوت ارتباط برقرار کند این حالت انواع و درجاتی دارد. در این پژوهش منظور از دوزبانگی این است که فرد دوزبانه بتواند نیازهای ارتباطی خود را در دو زبان برآورده کند و نیازی به استفاده از زبان میانجی نداشته باشد.

اهرن^۱ (۱۳۹۶: ۱۷۶) اصطلاح دوزبانگی و چندزبانگی را صحبت کردن به دو یا چند زبان می‌داند که پدیده‌ای رایج و گسترده در سراسر جهان است.

فابرو^۲ (۱۳۹۲: ۱۷۹-۱۷۸) دوزبانگی و چندزبانگی را به توانایی فهم و صحبت کردن افراد به دو یا چند زبان تعبیر می‌کند و آن را به انواع فشرده، همپایه یا متوالی و غیره تقسیم می‌کند. بنابراین، دو زبانگی فهمیدن و صحبت کردن به دو زبان است که با توجه به شرایط به انواعی تقسیم می‌شود.

تداخل زبانی که از آن به انتقال زبانی هم تعبیر می‌شود بیانگر ورود عناصر یک زبان به زبان دیگر است که در میان افراد دوزبانه و یا در حین برخورد زبان‌ها رخ می‌دهد. گروسجین^۳ (۲۹۹: ۱۹۸۲) تأثیر ناخواسته زبانی بر زبان دیگر را تداخل می‌نامد که به دلیل ضعف فرد دوزبانه در واژگان زبان بروز می‌کند.

^۱ Ahearn

^۲ AFabbro

^۳ Grosjean

کالوه^۱ (۱۳۷۹: ۴۸-۴۵) با نقل دیدگاه واینرایش^۲، تداخل را به سه دسته تداخل واجی، تداخل نحوی و تداخل واژگانی تقسیم کرده است و می‌گوید زمانی که دو زبان تجربه‌های خود را مانند هم بیان نمی‌کنند، تداخل زبانی رخ می‌دهد و از نظر منطقی شاید به قرض‌گیری ختم شود. او تفاوت تداخل و قرض‌گیری را در فردی بودن تداخل و جمعی بودن قرض‌گیری می‌داند. بنابراین، تداخل زبانی کاربرد ناخواسته و فردی عناصر زبانی در زبان دیگر و قرض‌گیری کاربرد گسترده و جمعی عناصر زبانی در زبان دیگر است. واینرایش (۱: ۱۹۵۳) قرض‌گیری را به دلیل نیازهای اجتماعی به‌ویژه در سطح واژگانی می‌داند و تداخل را امری فردی و روانی به‌ویژه در سطح ساختاری می‌داند که در سطح افراد دو زبانه اتفاق می‌افتد.

یکی از عواملی که به نظر می‌رسد در به‌کارگیری گونه‌های متفاوت زبانی دخیل باشد، جنسیت است. پژوهشگران در این مورد نظریات متفاوتی ارائه کرده‌اند. ساختارهای دستوری زبان فارسی و تالشی هیچ‌گونه تفاوت جنسیتی را در خود بروز نمی‌دهند و از این لحاظ این دو زبان با هم تفاوتی ندارند و کاربرد فعل‌ها، ضمیرها و دیگر مقوله‌های دستوری بین دو جنس مذکر و مؤنث، کاملاً عاری از مسائل جنسیتی‌اند، ولی در سطح واژگانی در برخی موارد در این دو زبان واژه‌هایی مانند «خانم و آقا» واژه‌هایی جنسیت‌گرا هستند. کامرون^۳ (۱۹۸۸) زنان و مردان را اعضای فرهنگ‌هایی می‌داند که درگیر گفتمان‌های جنسیتی هستند و آن‌ها شیوه‌هایی مناسب جنس خود را یاد گرفته و در موقعیت‌های گوناگون اجتماعی به کار می‌گیرند. به اعتقاد مدرسی (۱۳۹۱: ۲۱۱)، زنان به رفتار زبانی خود حساسیت دارند و این امر باعث محافظه‌کاری آنان در رفتار زبانی و بکارگیری گونه‌های متفاوت زبانی نسبت به مردان شده است.

^۱ Calvet

^۲ Weineich

^۳ D. Cameron

۳. بررسی داده‌ها

در این بخش، داده‌های اخذ شده از دوزبانه‌ها با توجه به مثال‌های هر گروه تجزیه و تحلیل می‌شود. در ادامه نخست جمله‌هایی که تداخل واژگانی دارند، از میان داده‌های خام دو زبانه‌های فارسی — تالشی مذکر و سپس به همین ترتیب داده‌های جنس مؤنث انتخاب شده و بررسی می‌گردد. بدیهی است که در این پژوهش، تداخل‌های آوایی، صرفی و نحوی مدنظر نیست و بررسی نمی‌شوند.

۳-۱. دوزبانه‌های فارسی - تالشی

در این قسمت نخست داده‌های اخذ شده از پسران و بعد داده‌های اخذ شده از دخترانی که تداخل واژگانی دارند، بررسی و تحلیل می‌شود.

جدول (۱): جمله‌های پسران دوزبانه فارسی - تالشی

جمله	۱- آن باغ محصول خوبی دارد
تداخلی	æv buq ʃukæ mæhsuleʃ* hest
درست	æ buqə ʃukæ hoseləʃe hest
جمله	۲- هوای اینجا آفتابی است
تداخلی	ʃəmɾæ hævu aftabi*
درست	ʃəmɾæ hævu hæʃi
جمله	۳- چراغ کنار دیوار است
تداخلی	ʃeraq* divu kæno kuj
درست	ʃu divu kæno kuj
جمله	۴- هوای اینجا آفتابی است
تداخلی	ʃəmɾæ hævu xurʃide*

درست	ʃəmɾæ hævu hæʃi
جمله	۵- غوره فراوان نیست.
تداخلی	qure færavan * nist
درست	qü(r)æ vøyi ni
جمله	۶- من او را در مزرعه دیدم
تداخلی	az av mæzræ * ændæ vindefe
درست	man av hi ændæ vinde
جمله	۷- دو برادر و خواهر کوچک دارم.
تداخلی	de gəlæ kufekæ * bevæ væ hovæm heste
درست	də gəlæ gædæ bevæ væ hovæm heste
جمله	۸- از دو سال پیش او را ندیده‌ام
تداخلی	æz * de sur pij * æve vindæm ni
درست	man də sur bæ na ævæm vindæm ni
جمله	۹- امیدواریم بتوانم به او کمک کنم.
تداخلی	omidvarim * bezunem bæve komæk karde
درست	omi m hest bəzünæm bævə komæk karde
جمله	۱۰- این گلابی خوشمزه است.
تداخلی	em golabi * xufmæzæj
درست	əm ambü xufmæzæj
جمله	۱۱- من خودم او را در مزرعه دیدم.
تداخلی	az eftan ævem mæzræ * ændæ vinde
درست	man eftan ævæm hi j ændæ vinde

جمله	۱۲- سیب‌ها را از درخت چیده‌اند
تداخلی	sefun deræxte* ku tʃenijæ
درست	sefün fün du ku tʃənijæ
جمله	۱۳- دیروز با خانواده به جنگل رفتیم
تداخلی	diruz* xanævadæ ndæ be dʒængæl* ʃejmun
درست	zinæ xanævadæ ndæ bæ viʃæ ʃəjmün
جمله	۱۴- داشتم خربزه می‌بریدم که دستم را بریدم
تداخلی	xærbozæ* bərinæbim ki eʃtan dastəm bəri
درست	xæmzæbim bərinæ ki eʃtan dastəm bəri
جمله	۱۵- تا به امروز ده بار به مشهد رفتم
تداخلی	dubæ emruz da bar* bæ mæʃæd ʃæm
درست	dubæ əmrüz da kæræ bæ mæʃæd ʃæm
جمله	۱۶- باید به حرف بزرگتر گوش بدهیم
تداخلی	bajæd bæ bozorgtærun* gæp güʃ ædæmun
درست	bape bæ julün gæpə güʃ ædæmün
جمله	۱۷- اگر به جای تخمه بوداده کمی آش خورده بودی، حالا خوب شده بودی
تداخلی	ægær be dʒaje bu dadæ toxmæ* kæmi aʃ hardæbi əsæ ʃuk bæbiʃ
درست	ægær bæʃtə simiʃkæ dʒuje tike aʃ hardæbi əsæ ʃuk bæbiʃ
جمله	۱۸- ای کاش همان اول حقیقت را به او گفته بودم
تداخلی	ej kaʃ* ævæl ændæ duzi bæ və votæbi
درست	xæsæ ævæl ændæ-m düzi bævə votæbi

در جمله‌های ذکر شده، دوزبان‌های فارسی — تالشی واژه‌های محصول، آفتابی، چراغ، غوره، فراوان، مزرعه، درخت، کوچک، از، پیش، امیدوار، گلابی، جنگل، دیروز، خربزه، بار و بزرگ را به جای /tʃu/ /hæfi/ /hoseɫ/ /ume. umi/ /na/ /ku/ /gædæli/ /du/ /hi/ /vəʃi/ /qü(r)æ/ /jul/ /bu/ /xamzæ/ /zinæ/ /viʃæ/ /ambü/ خود به زبان دوم یعنی تالشی به کار برده‌اند. کالوه (۴۸:۱۳۷۹) می‌گوید: «برخلاف تداخل که پدیده‌ای فردی است، قرض‌گیری پدیده‌ای جمعی است.» این واژه‌های کاربردی به دلیل اینکه فردی هستند و نیز به دلیل اینکه خلأ واژگانی را پر نکرده‌اند و دوزبان‌ها آن را به دلیل ضعف خود در زبان دوم در جای واژه‌های اصلی به کار برده‌اند، تداخل زبانی محسوب می‌شوند و از دایره قرض‌گیری واژگانی خارج‌اند. در ادامه، جمله‌های کاربردی دختران دوزبان فارسی - تالشی بررسی می‌شود تا در مقایسه با گروه پسران مشخص شود که جنسیت در امر تداخل تا چه اندازه دخیل است.

جدول (۲): جمله‌های دختران دوزبان فارسی - تالشی

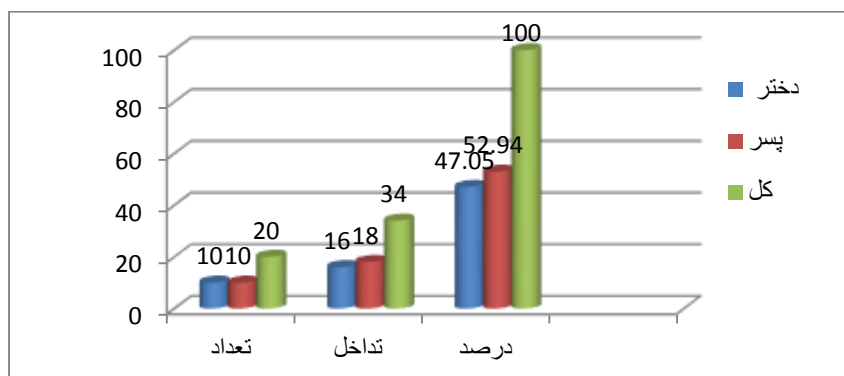
جمله	۱- آن باغ محصول خوبی دارد
تداخلی	əm buq mæhsulate* tʃukef hest
درست	æ buqə tʃukæ hoseɫəfe hest
جمله	۲- هوای اینجا آفتابی است
تداخلی	tʃəmɾæ hævu aftabi*

درست	ʃəmɾæ hævu hæʃi
جمله	۳- چراغ کنار دیوار است
تداخلی	ʃɛraq* divu kæno kuj
درست	ʃu divu kæno kuj
جمله	۴- هوای اینجا آفتابی است
تداخلی	ʃəmɾæ hævu xurfide*
درست	ʃəmɾæ hævu hæʃi
جمله	۵- من او را در مزرعه دیدم
تداخلی	az æv keʃzar* ændæ vinde
درست	man av hi ændæ vinde
جمله	۶- دو برادر و خواهر کوچک دارم.
تداخلی	de gəlæ bæradær* væ hovæm gædæm heste
درست	də gəlæ gædæ bəvæ væ hovæm heste
جمله	۷- دیروز یک کیلو برنج خریدم
تداخلی	diruz jek kilu berendʒ* sæ
درست	diruz i kilu bərz sæ
جمله	۸- امیدواریم بتوانم به او کمک کنم.
تداخلی	omidvarim* bezunem bæve komæk karde
درست	omi-m hest bəzünəm bævə komæk karde

جمله	۹- این گلایی خوشمزه است
تداخلی	em golabi * xufmæzæj
درست	əm ambü xufmæzæj
جمله	۱۰- بالاخره چند گردو روی درخت است
تداخلی	belæxære fænd gerdu * du sæ heste
درست	belæxære fæn(d) gælæ vøjiz du sæ heste
جمله	۱۱- سیب‌ها را از درخت چیده‌اند
تداخلی	sefun du ku fide ænd *
درست	sefün fün du ku fənijæ
جمله	۱۲- دیروز با خانواده به جنگل رفتیم.
تداخلی	diruz * xanævadæ ndæ be dʒængæl * fejmun
درست	zinæ xanævadæ ndæ bæ viʃæ ʃəjimün
جمله	۱۳- سینه فردا صبح می‌رود
تداخلی	sina færda * sehb ʃinæ
درست	sina maʃki səhb ʃinæ
جمله	۱۴- فردا شب خانه هستم
تداخلی	færda * ʃængu kændæm
درست	maʃki ʃængu kændæm
جمله	۱۵- همه این گوسفندها و بزها مال من هستند
تداخلی	hæmeje in pæs-ha væ boz-ha * fʃemanin

درست	hæmæ əm pæs-ə bə boz-ə tʃemanin
جمله	۱۶- اگر به جای تخمه بو داده کمی آش خورده بودی، حالا خوب شده بودی
تداخلی	ægær be dʒaje bu dadæ toxmæ* kæmi af hardæbi əsæ tʃuk bæbiʃ
درست	ægær bæ bæʃtæ simiʃkæ dʒuje tike af hardæbi əsæ tʃuk bæbiʃ

در این نمونه‌ها دوزبان‌های دختر که زبان اول آن‌ها فارسی و زبان دوم آن‌ها تالشی است، هنگام صحبت کردن به زبان تالشی، تعدادی از واژه‌ها را که در زبان دوم هم معادل رایج دارند، به زبان دوم یعنی تالشی تعمیم داده‌اند. این دوزبان‌ها واژه‌ها را به این شکل به کار برده‌اند: محصولات به جای /hosel/ آفتابی و خورشید به جای /hæʃi/، کشتزار و مزرعه به جای /hi/، برادر به جای /bəvæ/، دیروز به جای /zinæ/، برنج به جای /bərz/، امیدوار به جای /omi/، فردا به جای /majki/، چیدن به جای /tʃəne/، جنگل به جای /viʃæ/، تخمه بوداده به جای /simiʃkæ/ این مثال‌ها نشان می‌دهند که اکثر دوزبان‌ها واژه‌هایی را از زبان اول و چیره خود به زبان دوم تعمیم داده‌اند. در مقایسه میان داده‌های به دست آمده از دو جنس مشخص می‌شود که جنس مؤنث اندکی کمتر از جنس مذکر تداخل زبانی داشته‌اند. در نمودار ستونی زیر مقایسه‌ای میان دو جنس مؤنث و مذکر در این گروه صورت گرفته و نتایج زیر به دست آمده است. این نمودار نشان می‌دهد که در مجموع تعداد ۳۴ مورد تداخل در جمله‌های دوزبان‌ها رخ داده است که از این تعداد ۱۶ مورد تداخل، یعنی ۴۷/۰۵ درصد، متعلق به جنس مؤنث و تعداد ۱۸ مورد تداخل، یعنی حدود ۵۲/۹۴ درصد متعلق به جنس مذکر است. این نتیجه بیانگر آن است که جنس مذکر حدود ۵/۸۹ درصد بیشتر از جنس مؤنث تداخل داشته است.



نمودار (۱): مقایسه جملات دختران و پسران فارسی - تالشی زبان

در نمودار ستونی (۱)، تعداد افراد گروه با تفکیک و نیز در مجموع و همچنین تعداد تداخل‌ها در مجموع و نیز به تفکیک آمده است. این نمودار بیانگر آن است که تداخل در جمله‌های جنس مؤنث، حدود ۵/۸۹ درصد از تداخل در جمله‌های جنس مذکر کمتر است.

۲-۳. دوزبانه‌های تالشی - فارسی

در این قسمت تعداد بیست نفر دختر و پسر هشت تا بیست ساله برگزیده شدند و ترجمه فارسی تعدادی جمله تالشی از آن‌ها اخذ شد و سپس جمله‌هایی که تداخل واژگانی داشتند، در این بررسی به‌عنوان نمونه مورد استفاده قرار گرفتند. در ادامه، نخست تداخل زبانی پسران و بعد تداخل زبانی دختران تجزیه و تحلیل می‌شود.

جدول (۳): جدول پسران دو زبانه تالشی - فارسی

جمله	۱- هر کس مرا دید به من سلام کرد.
تداخلی	hær kæs mæra did be mæn sælam dad*
درست	hær kæs mæra did be mæn sælam kærd
جمله	۲- اگر به جای تخمه بوداده کمی آش خورده بودی، حالا خوب شده بودی.
تداخلی	ægær be dzaje bæftæ simiſkæ* kæmi af xurde budi hala xub fode budi
درست	ægær be dzaje toxmeje* bu dade kæmi af xurde budi hala xub fode budi
جمله	۳- بالاخره چند گردو روی درخت است؟
تداخلی	belæxære ʃænd væjiz* ruje deræxt hæste
درست	belæxære ʃænd ta gerdu ruje deræxt hæste
جمله	۴- چراغ کنار دیوار است.
تداخلی	ʃu* kænare divar æst
درست	ʃeraq kenare divar æst
جمله	۵- این پیراهن قشنگ را از کجا خریدی؟
تداخلی	in ʃæjie* qæʃæng ra æz kodza xæridi
درست	in pirahæne qæʃæng ra æz kodza xæridi
جمله	۶- عبدالله فردا صبح می‌رود.
تداخلی	æbdolla maʃki* sohb mirævæd
درست	æbdolla færda sohb mirævæd

جمله	۷- این گلابی چقدر خوشمزه است.
تداخلی	in ambü * tʃeqæd xufmæzæ æst
درست	in golabi tʃeqædr xufmæze æst
جمله	۸- این گلابی چقدر خوشمزه است.
تداخلی	in ambü * tʃeqæd xæf mæz* æst
درست	in golabi tʃeqædr xufmæze æst
جمله	۹- اینجا هوا همیشه آفتابی است.
تداخلی	indʒa hæva hæmiʃæ xurfid * æst
درست	indʒa hæva hæmiʃe aftabi æst
جمله	۱۰- همه از رفتار او ناراضی هستند.
تداخلی	hæmæ æz ræftare an * narazi hæstænd
درست	hæme æz ræftare u narazi hæstænd
جمله	۱۱- چرا او را نمی‌شناسی؟
تداخلی	tʃæra ura næmidani *
درست	tʃera ura næmiʃenasi
جمله	۱۲- من او را در مزرعه دیدم.
تداخلی	mæn u ra dær hi * didæm
درست	mæn u ra dær mæzræ- e didæm
جمله	۱۳- داشتم هندوانه می‌بریدم دستم را بریدم.
تداخلی	zəmastüni * miboridæm ke dæstæm boridæm

درست	daʃtæm hendevane miboridæm ke dæstæm ra boridæm
جمله	۱۴- این صندوق چوبی مال آن‌هاست.
تداخلی	in sænduxe ʃubi ʃævüine*
درست	in sænduqe ʃubi male anhast
جمله	۱۵- دیروز با خانواده به جنگل رفتیم.
تداخلی	diruz ba xanævade be viʃæ* ræftim
درست	diruz ba xanævade be dʒængæl* ræftim

در این پانزده نمونه، دوزبان‌های پسر که زبان اول آن‌ها تالشی و زبان دوم آن‌ها فارسی است، هنگام صحبت کردن به زبان فارسی، تعدادی از واژه‌ها را که در زبان دوم هم معادل رایج دارند، به زبان دوم یعنی فارسی تعمیم داده‌اند و یا به تأثیر زبان اول در زبان دوم ساخته‌اند. این دوزبان‌ها واژه‌ها را به این شکل به کار برده‌اند: «سلام داد» به جای «سلام کرد» به تأثیر از زبان تالشی، /viʃæ/ به جای جنگل، /bəʃtæ simiʃkæ/ به جای تخمه بوداده، /ʃævün/ به جای مال آن‌ها، /zəməstüni/ به جای هندوانه، /hi/ به جای مزرعه، /næmidani/ به جای شناختن به تأثیر از زبان تالشی، /an/ به جای او با توجه به زبان تالشی، /xurʃid/ به جای آفتابی به تأثیر از زبان تالشی، /xæʃmæz/ به جای خوشمزه، /ambü/ به جای گلابی، /maʃki/ به جای فردا، /ʃæʒi/ به جای پیراهن، /ʃu/ به جای چراغ، به کار برده‌اند. در این مثال‌ها، تداخل زبان اول در زبان دوم دوزبان‌ها واضح و آشکار است. در ادامه، برای مقایسه تداخل بین دو گروه، تداخل واژگانی در داده‌های به دست آمده از جنس مؤنث هم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول (۴): جمله‌های دختران دوزبانۀ تالشی - فارسی

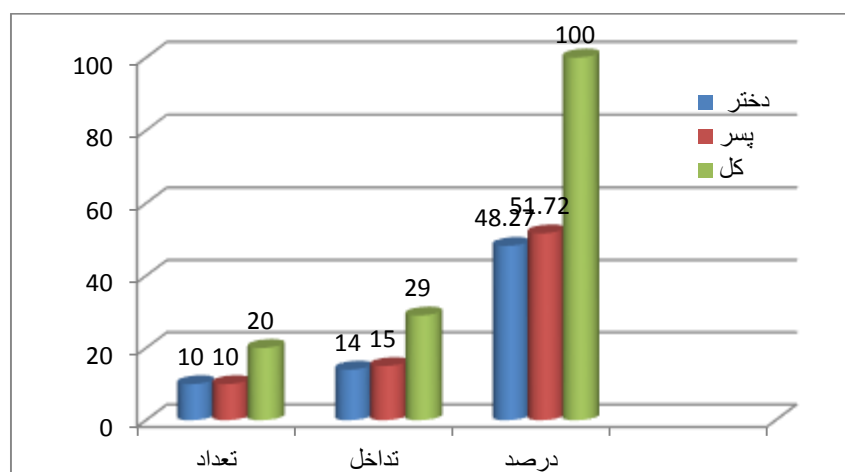
جمله	۱- هر کس مرا دید به من سلام کرد.
تداخلی	hær kæs mæra did be mæn sælam dad *
درست	hær kæs mæra did be mæn sælam kærd
جمله	۲- اگر به جای تخمۀ بوداده کمی آش خورده بودی، حالا خوب شده بودی.
تداخلی	ægær be dʒaje bəstæ simiʃkæ * kæmi aʃ xurde budi hala xub fode budi
درست	ægær be dʒaje toxmeje * budade kæmi aʃ xurde budi hala xub fode budi
جمله	۳- بالاخره چند گردو روی درخت است؟
تداخلی	belæxære ʃænd vəjiz * ruje deræxt hæst
درست	belæxære ʃænd ta gerdu ruje deræxt hæst.
جمله	۴- چراغ کنار دیوار است.
تداخلی	fænar * kænare divar æst
درست	ʃeraq kenare divar æst
جمله	۵- این پیراهن قشنگ را از کجا خریدی؟
تداخلی	in ʃæije * qæʃæng ra æz kodʒa xæridi
درست	in pirahæne qæʃæng ra æz kodʒa xæridi
جمله	۶- عبدالله فردا صبح می‌رود.
تداخلی	æbdolla mafki * sohb * mirævæd
درست	æbdolla færda sobh mirævæd

جمله	۷- این گلابی چقدر خوشمزه است.
تداخلی	in ambü * tʃeqæd xufmæzæ æst
درست	in golabi tʃeqædr xufmæze æst
جمله	۸- این گلابی چقدر خوشمزه است.
تداخلی	in golabi tʃeqæd xæfsmæz * æst
درست	in golabi tʃeqædr xufmæze æst
جمله	۹- اینجا هوا همیشه آفتابی است.
تداخلی	indʒa hæva hæmiʃæ xurʃid * æst
درست	indʒa hæva hæmiʃe aftabi æst
جمله	۱۰- چرا او را نمی‌شناسی؟
تداخلی	tʃæra u ra næmidani *
درست	tʃæra u ra næmiʃenasi
جمله	۱۱- دیروز با خانواده به جنگل رفتیم.
تداخلی	diruz ba xanævade be viʃæ * ræftim
درست	diruz ba xanævade be dʒængæl * ræftim
جمله	۱۲- من او را در مزرعه دیدم.
تداخلی	mæn u ra dær hi * didæm
درست	mæn u ra dær mæzræ-e didæm
جمله	۱۳- داشتم هندوانه می‌بریدم دستم را بریدم.

تداخلی	zəməstüni* miboridæm ke dəstæm boridæm
درست	daʃtæm hendevane miboridæm ke dəstæm ra boridæm
جمله	۱۴- این مردها و زنها خوب هستند.
تداخلی	in mærd-ha bæ zæn-ha ʃukæn*
درست	in mærd-ha væ zæn-ha xub hæstænd

در این چهارده نمونه، دوزبانه‌های دختر که زبان اول آن‌ها تالشی و زبان دوم آن‌ها، فارسی است، هنگام صحبت کردن به زبان فارسی تعدادی از واژه‌ها را که در زبان دوم هم معادل رایج دارند، به زبان دوم یعنی فارسی تعمیم داده‌اند یا به تأثیر زبان اول در زبان دوم ساخته‌اند. این دوزبانه‌ها واژه‌ها را به این شکل به کار برده‌اند: «سلام داد» به جای «سلام کرد» به تأثیر از زبان تالشی، /viʃæ/ به جای جنگل، /bəʃtæ simiʃkæ/ به جای تخمه بوداده، /zəməstüni/ به جای هندوانه، /hi/ به جای مزرعه، /næmidani/ به جای شناختن به تأثیر از زبان تالشی، /xurʃid/ به جای آفتابی به تأثیر از زبان تالشی، /xæʃmæz/ به جای خوشمزه، /ambü/ به جای گلابی، /maʃki/ به جای فردا، /ʃæzi/ به جای پیراهن، /fænar/ به جای چراغ، /ʃuk/ به جای خوب. در این مثال‌ها، تداخل زبان اول در زبان دوم دوزبانه‌های دختر واضح و آشکار است، ولی در مقایسه با دوزبانه‌های پسر تفاوت محسوس در نتایج دو جنس دیده نمی‌شود. نتایج حاصل از بررسی داده‌ها در نمودار ستونی زیر به وضوح دیده می‌شود. در این نمودار، از مجموع ۲۹ تداخلی که در جمله‌ها رخ داده است، تعداد ۱۴ مورد، یعنی ۴۸/۲۷ درصد، تداخل را جنس مؤنث و تعداد ۱۵ مورد، یعنی ۵۱/۷۲ درصد تداخل، را هم جنس مذکر

ایجاد کرده است. بنابراین، در کل، حدود ۳/۴۵ درصد تداخل گروه مؤنث از گروه مذکر کمتر است.



نمودار (۲): مقایسه جملات دختران و پسران دوزبانۀ تالشی - فارسی

در نمودار ستونی شماره ۲، تعداد افراد گروه با تفکیک و در مجموع و همچنین تعداد تداخل‌ها در مجموع و نیز به تفکیک آمده است. این نمودار بیانگر آن است که از نظر تعداد تداخل حدود ۳/۴۵ درصد، تداخل در جمله‌های جنس مؤنث از تداخل در جمله‌های جنس مذکر کمتر است.

۴. نتیجه‌گیری

بررسی داده‌های اخذشده از دوزبان‌های فارسی - تالشی نشان می‌دهد که تداخل زبانی این دوزبان‌ها عموماً از زبان اول یعنی فارسی به زبان دوم، یعنی تالشی، است؛ به عبارت دیگر ۳۴ مورد تداخل رخ داده در این گروه از زبان اول به زبان دوم تعمیم

یافته است و هر دو جنس مذکر و مؤنث با تفاوتی اندک تداخل زبانی دارند، ولی جنس مذکر ۵/۸۵ درصد بیشتر از جنس مؤنث تداخل زبانی دارد. همچنین، بررسی داده‌های اخذشده از دوزبانه‌های تالشی-فارسی بیانگر آن است که تداخل این گروه هم از تالشی به‌عنوان زبان اول به فارسی به‌عنوان زبان دوم است و هر دو جنس با تفاوتی اندک از زبان مادری به زبان دوم تداخل دارند و جنس مؤنث حدود ۳/۴۵ درصد نسبت به جنس مذکر تداخل کمتر دارد. بنابراین، در هر دو گروه، جنس مؤنث نسبت به جنس مذکر کمتر دچار خطا شده‌است. باوجوداین، تفاوت چشمگیری بین عملکرد دو جنس وجود ندارد. در مقایسه بین دو گروه از دوزبانه‌ها با یکدیگر، گروه اول که زبان نخست آن‌ها فارسی است، در برقراری ارتباط به زبان دوم، یعنی تالشی، بیشتر تمایل دارند که از زبان اول خود واژه‌هایی را به‌کار ببرند. این امر شاید به دلیل گسترش رسانه‌ها، آموزشی بودن و همه‌گیر بودن زبان فارسی و نیز باور به برتری اجتماعی زبان فارسی نسبت به زبان تالشی، باشد. خلاصه اینکه در جواب سؤال اول باید گفت تداخل بیشتر از زبان اول و چیره‌دوزبانه‌ها به زبان دوم آن‌هاست و در پاسخ سوال دوم هم باید گفت هرچند جنسیت در تداخل زبانی مؤثر است، ولی از نظر آماری تفاوت چشمگیری بین دو جنس در این امر وجود ندارد. همچنین، گروهی که زبان نخست آن‌ها فارسی است، نسبت به گروه دیگر بیشتر تمایل دارند در زبان دوم از واژه‌های زبان اول استفاده کنند. شاید این امر به دلیل برتری زبان فارسی از نظر آموزشی و رواج آن زبان در تمام مناطق و گرایش فکری به آن زبان باشد.

منابع

اهرن، لورا ام. (۱۳۹۶). *زبان زنده: درآمدی بر انسان‌شناسی زبان شناختی*. ترجمه رضا مقدم-کیا. تهران: انتشارات سمت.

- خانابازاده، کیومرث. (۱۳۹۳). «تاثیر ویژگی ارگتیو تالشی بر فراگیری فارسی». *مجموعه مقالات نهمین همایش زبان‌شناسی ایران*. به کوشش محمد دبیرمقدم. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی. ۴۶۹-۴۷۸.
- خانابازاده، کیومرث. (۱۳۹۵). *خطاهای نحوی تالشی زبان‌ها در فارسی معیار*. تهران: مؤسسه اندیشمندان کسرا.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم. (۱۳۸۶). *زبان تالشی توصیف گویش مرکزی*. رشت: فرهنگ ایلیا.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم، فیروز فاضلی و مریم یوسفی نصیرمحلله. (۱۳۸۷). «نمودهای اجتماعی و مردم شناختی در گویش تالشی»، *گویش‌شناسی*. ۷: ۷۹-۵۵.
- فابرو، فرانکو. (۱۳۹۲). *مقدمه‌ای بر عصب‌شناسی زبان در دوزبانگی*. ترجمه دکتر اکبر حسابی. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- کالوه، لویی. ژان. (۱۳۷۹). *درآمدی بر زبان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران: انتشارات نقش جهان.
- مدرسی، یحیی. (۱۳۹۱). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- منشی‌زاده، مجتبی و کیومرث خانابازاده. (۱۳۹۳). «خطاهای نحوی تالشی زبان‌ها در کاربرد زبان فارسی»، *پژوهش‌نامه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان*. ۱/۳: ۱۳۵-۱۱۷.
- میرزاپور، فاطمه. (۱۳۹۰). *بررسی پدیده دوزبانگی در جغرافیای قومی تالش*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. رشت: دانشگاه گیلان.
- میرزاپور، فاطمه، محرم رضایتی کیشه‌خاله و هاشم موسوی. (۱۳۹۵). «بررسی نگرش زبانی در گویش تالشی». *زبان و زبان‌شناسی*، ۲۳/۱۲: ۹۹-۱۲۹.
- یوسفی نصیرمحلله، مریم. (۱۳۸۴). *مسائل جامعه‌شناختی گویش تالشی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد ادبیات فارسی. رشت: دانشگاه گیلان.
- Cameron, D. (1998). *Performing Gender Identity: Young Men's Talk and the Construction of Heterosexual Masculinity*. In J. Coates (ed). *Language and Gender: A Reader*. Manhattan: John Wiley & Sons. 270-284.
- Grosjean, F. (1982). *Life with Two Languages: An Introduction to Bilingualism*. Cambridge: Harvard University Press.
- Weinreich, U. (1953). *Languages in Contact*. New York: the Hague Mouton.